



## تجربیات کشورها از جنگ اقتصادی (کشورهای آسیایی روسیه و چین با محوریت ایران)

نسرین بیرانوند<sup>۱</sup>، سجاد یوسفوند<sup>۲</sup>

### چکیده

جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که همواره در طول تاریخ شاهد موج گسترده‌ای از جنگ‌ها و درگیری در زمینه‌های مختلف بوده است. این نزاع‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران شدت بیشتری یافته است. در حال حاضر اصلی‌ترین و مهم‌ترین میدانی که دشمن برای ضربه زدن برگزیده، عرصه اقتصادی است. جنگ اقتصادی به معنای استفاده یا تهدید به استفاده از ابزارهای اقتصاد علیه کشور موردنظر به منظور تضعیف اقتصادی و در نتیجه قدرت نظامی و سیاسی آن کشور است. در طراحی این جنگ به طور معمول ساختار اقتصادی و مالی کشور مورد نظر مورد هدف قرار می‌گیرد. کشورهایی که در این زمینه تجربه داشته‌اند و موفق بودند می‌توانند خطای انتخاب سیاست‌ها و به کارگیری آن‌ها از سوی سیاستگذاران داخلی را کاهش دهد. در پژوهش حاضر با گردآوری اسناد و مدارک به روش توصیفی \_ تحلیلی به بررسی راهکارهای به کار برده شده در جنگ اقتصادی در دو کشور قدرتمند چین و روسیه پرداخته شده است. اهم نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که بازنگری در ساختار دولتی، مبارزه با فساد، استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی و... را مد نظر داشته‌اند. با توجه به ظرفیت‌های بالای کشور ایران از لحاظ شرایط جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی، به کارگیری این راهکارها و استفاده از تجربیات این کشورها می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد.

**واژگان کلیدی:** جنگ اقتصادی، روسیه، چین، ایران

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

[nasrinbeiranvand18@gmail.com](mailto:nasrinbeiranvand18@gmail.com)

۲. دکترای تخصصی بررسی مسایل اجتماعی ایران، واحد تهران مرکز [yoasefvandsjad@gmail.com](mailto:yoasefvandsjad@gmail.com)

# Countries' experiences on Economic Warfare (Russian & Chinese Asian Countries centering on Iran

*Beyranvand, Nasrin<sup>1</sup>, Yousevand, Sajad<sup>2</sup>*

## Abstract

Iran is one of the countries that has always been witnessing wide wave of wars and conflicts in different fields throughout the history. These conflicts have been intensified after the Islamic Republic of Iran victory. At present, the main and most important field that the enemy has chosen to strike is the economic field. The economic warfare means using or threatening to use economic tools against the country of interest in order to weaken the economy and hence, the military and political power of that country. In planning this warfare, the economic and financial structures of the country of interest are targeted. Countries that have experience and success in this regard can minimize wrong choice of policies and their utilization by internal policy makers. In the present research, we have addressed solutions and concepts used by two powerful countries of China and Russia through collecting documents using analytical-descriptive method. The results of the research show that reviewing the governmental structure, they have considered combating corruption, using internal capacities and capabilities and the like. In regard to the high capacities of Iran in geographical, political and economic terms, using these solutions and applying the experiences of these countries can pave the way to overcome these problems.

**Key words:** Economic warfare, Russia, China, Iran



---

1. Political Sociology Ph. D Candidate, Alameh Tabatabaie

2. specialized Doctorate on Iranian Sociology Issues, Central Tehran Branch

## مقدمه و بیان مسئله

تاریخ جهان در مسیر حرکت خود همواره دربردارنده مسائل و پدیده‌های متفاوت و گسترده‌ای بوده که هر کدام از عمق و شدت متفاوتی برخوردار بودند. جنگ و نزاع میان دولت‌ها و ملت‌های مختلف با یکدیگر یکی از این پدیده‌هاست که همواره در طول تاریخ جریان داشته و در هر برهه‌ای از زمان، بخشی از جهان را به خود درگیر کرده است. این درگیری‌ها ضمن مشکلات و خسارات عدیده‌ای که به همراه داشتند و اکنون نیز دارند تحولات شگرفی و بعضاً خسارت باری را نیز در تاریخ ایجاد نمودند که برخی از آن‌ها با وجود گذشت سالیان متمادی از آن جنگ‌ها هنوز پابرجا مانده‌اند.

مطالعات انجام شده در حوزه جنگ و قدرت حاکی از تحولات گسترده در مفهوم جنگ، انواع آن، ابزارهای مورد استفاده در آن و اهداف و روش‌های مبادرت به آن است، برخی محققان معتقدند، بعد از جنگ سرد، ماهیت جنگ‌ها از جنگ‌های فیزیکی، دستیابی به قدرت سرزمینی با توسل به انواع سلاح‌های کشتار جمعی به جنگ‌های نامحسوس بر سر دستیابی به قدرت اقتصادی و بین‌المللی از طریق توسل به ترکیبی از ابزارهای اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و سیاسی تغییر کرده است. جنگ اقتصادی یکی از انواع جنگ‌های فوق هیبریدی به شمار می‌آید و به طور همزمان حوزه‌های مختلف و آسیب‌پذیر اقتصاد (اعم از: مالی پولی، تجاری و ارزی) را به خصوص در اقتصادهای در حال توسعه هدف قرار می‌دهد. بدین شکل که مجموعه اقدام‌ها و ابزارهای مورد استفاده در این جنگ‌ها علیه کشور مورد نظر موجب بروز پیامدهای منفی قابل توجه یا تشدید ناکارآمدی‌های موجود داخلی از جمله فساد گسترده، حاکمیت بد، مشکلات اجتماعی، خروج منابع ثروت به خارج از کشور، شکاف‌های طبقاتی (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) و... می‌شود. و در مجموع می‌توان وضعیت امنیت اقتصادی و در نتیجه، امنیت ملی کشور تحریم شده را تنزل دهد و تحریم‌کنندگان را به اهداف خود نزدیک‌تر کند.

مفهوم جنگ اقتصادی به طور سنتی برای پرداختن به تاکتیک‌های اقتصادی مکمل درگیری مسلحانه استفاده می‌شود. در آینده نزدیک می‌تواند راهی برای هدایت جنگ به خودی خود باشد. موازنه نیروها بین دولت‌ها دیگر تنها با ارزیابی قدرت نیروهای مسلح متعارف اندازه‌گیری نمی‌شود. سال‌های پس از ۱۹۹۰ اغلب به عنوان «عصر ژئواکونومیک» تعریف می‌شوند. پس از پایان جنگ سرد، حوزه اقتصادی به معیار اصلی سنجش قدرت دولت در هر دو سطح منطقه‌ای و جهانی تبدیل شده است. از این رو، رویارویی رقبا در یک منطقه خاص اغلب با بهره‌برداری از





نقاط ضعف و وابستگی‌های حریف و همچنین اعمال تدابیر مالی با هدف آسیب رساندن به آن یا محدود کردن نفوذ آن به جای تهدید با ابزار نظا می انجام می‌شود (مارکو جی بارون، ۲۰۱۴). با توجه به تقسیم‌بندی‌های مطرح شده می‌توان جنگ اقتصادی را یکی از حالات و اقسام جنگ‌های نیمه سخت در نظر گرفت یکی از شاخصه‌ها و ویژگی‌های اصلی اقداماتی که در فضای جنگ‌های نیمه سخت به خصوص در پدیده‌ای مانند جنگ اقتصادی انجام می‌گیرد فضای تقریباً نیمه محسوس این گونه اقدامات است چرا که بروز و ظهور کمتر این نوع اقدامات در عالم خارج به نسبت اقدامات موجود در عرصه‌های سخت باعث می‌شود حساسیت کمتری در جامعه برانگیخته شده و در نتیجه آحاد مردم به ندرت و یا حداقل با تاخیر بسیار زیادی متوجه این گونه تحركات خصمانه و آثار مترتب بر آن در کشور شوند. لذا فرصت مناسب و انگیزه بسیار زیادی را به دشمنان می‌دهد تا هر چه بیشتر و دقیق‌تر به این حوزه آسیب رسانند (حسینی، ۱۳۹۵).

بنابراین، امروزه می‌توانیم «جنگ اقتصادی» را به‌عنوان اجرای هماهنگ و منسجم این ابزارها و استراتژی‌ها بازتعریف کنیم. به عبارت دیگر، از نظر تئوری، برخی از اهداف راهبردی که در گذشته مستلزم اقدام نظا می‌بودند، می‌توان امروز و در آینده را با تاکتیک‌های جایگزین که اغلب از حوزه اقتصادی به عاریت گرفته شده است، به دست آورد. هر چه این تاکتیک‌ها جامع‌تر باشند، جنگ اقتصادی به‌عنوان روشی برای نبرد فی‌نفسه تکامل خواهد یافت. در واقع، قابلیت‌های معاصر در این زمینه از لحاظ نظری برای ایجاد یک استراتژی جایگزین برای استفاده از زور برای دستیابی به اهداف سیاسی بدون استفاده از نیروی آتش سنتی کافی است (Barone, M. G, 2013).

ایران از جمله کشورهایی است که همواره در طول تاریخ شاهد موج گسترده از جنگ‌ها و درگیری‌ها در زمین‌های مختلف بوده است این نزاع‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ شدت بیشتری به خود گرفت. این جنگ‌ها که در سال‌های اول انقلاب بیشتر دارای جنبه سیاسی بود، وارد شاخه نظا می‌گردید و اتفاق عظیم «هشت سال دفاع مقدس» رقم خورد. این جنگ‌ها در سال‌های اخیر وارد عرصه اقتصادی گردیده است. دشمنان در این حوزه از انجام هیچ اقدامی صرف نظر نکرده و با تمام امکانات و تجهیزات وارد این عرصه گشته‌اند. یافتن ریشه‌های آغاز و تداوم جنگ میان ایران و برخی از کشورها و تبیین دقیق آن‌ها به دلیل ایجاد سهولت در شناخت هر چه بهتر ابعاد آن‌ها از اهمیت بسیار زیاد برخوردار است. با توجه به شواهد موجود در سال‌های گذشته، می‌توان ادعا کرد که یکی از مهم‌ترین عرصه‌هایی که از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون مورد تهاجم دشمن بوده و در حال حاضر نیز اصلی‌ترین و مهم‌ترین میدانی است



که دشمن برای ضربه زدن به نظام مقدس جمهوری اسلامی برگزیده، عرصه اقتصادی است. نظام سلطه جهانی در این میدان از تمام ابزاری که می‌توانسته استفاده کند و روز به روز ابزار جدیدتر و متنوع‌تری را در این حوزه وارد می‌کند و مورد استفاده قرار می‌دهد.

بررسی تجربه کشورهای موفق می‌تواند خطای انتخاب سیاست‌ها و به کارگیری آن‌ها از سوی سیاستگذاران داخلی را کاهش دهد. آشنایی با تجربه کشورهای درگیر با جنگ اقتصادی می‌تواند برای جلوگیری از تکرار اشتباه‌های دیگران و به کارگیری روش‌های صحیح با توجه به امکانات کشور را فراهم می‌سازد. با استفاده از تجارب کشورهای مختلف می‌توان الگوی عملیاتی و متناسب با اقتصاد ایران استخراج کرد و به اقتصاد مقاوم دست یافت. لذا در این پژوهش سعی بر این است ضمن بررسی دو کشور آسیایی (چین و روسیه) به این سوالات پاسخ داده شود:

راهکارهای این کشورها (روسیه و چین) در مقابله با تاثیرات جنگ اقتصادی چگونه بوده است؟

چه موانعی در ایران جهت مقابله با این تحریم‌ها وجود دارد؟

ظرفیت‌های داخلی ایران جهت مقابله با جنگ اقتصادی چگونه است؟

چه راهکارهایی را می‌توان در این جنگ جهت مقابله و دفاع در کشور ایران در نظر گرفت؟

### پیشینه موضوع

مهدی دارابی و میثم خسروی (۱۴۰۱)، در پژوهش «سیاست‌های اقتصادی روسیه در مقابله با تحریم با تمرکز بر سیاست‌های ارزی و درس‌هایی برای ایران»، مهمترین درس آموخته، دلالت مهم این اصلاح سیاست برای ایران، آن است که در صورت افزایش صادرات نفتی نباید دچار اشتباهات گذشته شد و افزایش منابع ارزی را صرف کاهش نرخ حقیقی ارز، در معرض جهش قرار دادن نرخ ارز کرد. محمد کاشیان (۱۴۰۰)، «چین و نقش آن در افول قدرت اقتصادی آمریکا»، جنگ تجاری آمریکا و چین قابل توجه و تفسیر بوده و استمرار این جنگ اقتصادی منجر به به بازی باخت \_ باخت برای هر دو کشور باشد. اقتصاد آمریکا در دوراهی پذیرش قدرت اقتصادی چین و کاهش نفوذ خود و با پذیرش بازی باخت \_ باخت مخیر شده است که در هر صورت پایان ناخوشایندی برای اقتصاد آمریکا خواهد بود. سعید لاریجانی و همکاران (۱۴۰۰)، با انجام پژوهش «بررسی اثر تحریم‌ها بر محیط کسب و کار جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهکارهای کاهش تاثیر آن»، نتایج حاکی از آن است تاثیر تحریم‌ها بر نرخ ارز، رشد اقتصادی، تجاری در سطح بین‌الملل پیش از سایر عوامل است. مهمترین راهکار شناسایی شده جهت کاهش تاثیر تحریم‌ها را می‌توان اجرایی سازی



سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، تقویت شرکت‌های دانش بنیان، فضای کسب و کار کشور به کاستن از مجوزهای دولتی، نام برد. مژگان قربانی (۱۳۹۹) «جنگ تجاری آمریکا و چین: علل و پیامدهای آن»، در این مقاله نویسنده قصد داشته است که نشان دهد رشد چین طی سال‌های اخیر مخصوصاً بعد از عضویت از سازمان تجارت جهانی باعث شده است که دولت ترامپ در سند استراتژی امنیت ملی خود از چین به عنوان رقیب راهبردی یاد کند و آن را تهدیدی برای تسلط آمریکا بر اقتصاد جهانی بداند بنابراین با جنگ تجاری علیه این کشور در صدد مهار رشد چین است. محمد سلیمانی و وحید نکویی (۱۳۹۹) به «بررسی تجربیات کشورهای مختلف در مقاوم‌سازی اقتصاد، دستیابی به الگوی عملیاتی اقتصاد مقاومتی در ایران» پرداخته‌اند، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بسیاری از کشورها برای رسیدن به اهداف خود، اقدامات و سیاست‌هایی را پیاده کرده‌اند که در راستای مقاوم سازی اقتصاد و مولفه‌های اصلی اقتصاد مقاومتی بوده است؛ بومی‌سازی این تجربیات می‌تواند زمینه ساز تحقق برخی از عوامل افزایش مقاومت و انعطاف پذیری اقتصاد از جمله رفع وابستگی بودجه دولت و نیازهای ارزی کشور به درآمدهای نفتی، تخفیف مشکل بیکاری، افزایش نقش مردم در اقتصاد، بهینه انرژی و ایجاد چارچوب بهینه برای تعامل با سایر کشورها باشد. جواد شمسی و علی اکبر جعفری (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «تاثیر اقتصاد مقاومتی بر روند امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران» یافته‌های نشان می‌دهد، اقتصاد مقاومتی باعث ایجاد توازن اقتصادی در داخل کشور می‌شود و این مسئله هم در کاهش ضریب تاثیر تهدیدات خارجی و ترمیم آسیب‌پذیری‌های داخلی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد در عین حال اقتصاد مقاومتی در راستای امنیت زایی برای جمهوری اسلامی می‌تواند از طریق کاهش وابستگی به اقتصاد بین‌الملل، کاهش جنگ روانی اقتصادی، رهایی از اقتصاد تک محصولی، اشتغال زایی، به تقویت پایه‌های اقتصادی امنیت ملی ایران کمک نماید. مهدی هدایتی شهیدانی (۱۳۹۷)، پژوهشی با عنوان، «عملکرد روسیه در مواجهه با تحریم‌های اقتصادی غرب» انجام داده است که، فرضیه ارائه شده در مقاله بر این اساس بنیان نهاده شده است که دو اصل عقلانیت راهبردی و کنش متوازن به عنوان عناصر اصلی مواجهه با تحریم‌ها در دستور کار مسکو قرار داشته‌اند. مهمترین اقدام‌های انجام شده توسط روسیه بر اساس اصل کنش عقلانی و متوازن پرداخته می‌شود این مقاله با گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و اسنادی و تجزیه تحلیل داده‌ها به روش توصیفی تحلیلی شاخص‌های اقتصادی روسیه را در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ مورد ارزیابی قرار خواهد داد.

شی‌هانگ کوان (۲۰۲۰) در مقاله «جنگ تجاری چین و ایالات متحده دلایل ریشه‌دار، تغییر



تمرکز و چشم‌انداز نامشخص»، به این مسئله می‌پردازد که ظهور چین تهدیدی برای هژمونی آمریکا محسوب می‌شود و به همین دلیل است که آمریکا علاوه بر تحمیل تعرفه‌های گمرکی بر محصولات وارداتی چین، محدودیت‌هایی نیز در راستای انتقال فناوری به چین و فعالیت‌های تجاری برخی از شرکت‌های پیشرفته چینی به ویژه هواوی ایجاد کرده است که در نهایت منجر به تشدید جنگ تجاری و تبدیل آن به جنگ فناوری شده است (Khan, 2020). نیلا اقبال خان (۲۰۱۹) در مقاله‌اش به بررسی «جنگ تجارت جهانی و تاثیر آن بر تجارت و رشد: جنگ بین ایالات متحده اتحادیه اروپا» می‌پردازد، وی معتقد است تعرفه‌های اعمال شده از سوی دو کشور ممکن است در کوتاه مدت برای محصولات داخلی مزیت رقابتی ایجاد کند و قیمت‌های آن‌ها پس از اعمال تعرفه‌های سنگین نسبت به کالاهای وارداتی کمتر و حتی باعث ایجاد شغل شود اما در بلند مدت رشد اقتصادی هر دو کشور سیر نزولی پیدا خواهد کرد. یوکان هانگ (۲۰۱۹) در مقاله‌ای به عنوان «تنش‌های اقتصادی ایالات متحده و چین منشأها و پیامدهای جهانی» بیان می‌کند که کسری تجاری دوجانبه و ناعادلانه بودن تجارت و سرمایه‌گذاری چین نسبت به آمریکا از ریشه‌های جنگ تجاری محسوب می‌شود. وی معتقد است فشار بر چین برای دستیابی به یک توافق تجاری پایدار با ایالات متحده، پکن را به تقویت اتحادیه‌های منطقه‌ای و توسعه رویکردهای قدرت نرم خود سوق می‌دهد. در این بازی کشورهای آسیای شرقی و اروپا تلاش می‌کند تا دو قدرت اصلی به توافق دست یابند (Huang, 2019)

ملاحظه می‌شود در نمونه مقالات مذکور که با موضوع مورد تحقیق قرابت معنایی و موضوعی دارند یا دلایل جنگ تجاری و اقتصادی را بیان کردند یا تاثیرات آن را مورد کنکاش قرار داده‌اند. اما این پژوهش در پی آن است تا ضمن نگاه جامع‌تر به جنگ تجاری و اقتصادی در کشورهای مهم در آسیا (روسیه، چین) هم از بعد سیاسی و هم اقتصادی آن را مورد تحلیل قرار داده و از رهگذر این بررسی چشم‌انداز و سناریوهای پیش روی این کشورها و راهکارهای به کار برده شده جهت مقابله در برابر اهداف ایجاد کنندگان جنگ اقتصادی در کشور مورد بررسی قرار گیرد و از آن راهکارها با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ضمن بو می‌سازی در کشور ایران به کارگیری شود. به عبارتی دیگر از تجربیات مثبت و مفید این کشور در راستای اهداف ملی بهره‌برداری گردد.

## روش تحقیق

در این پژوهش، گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و اسنادی (داده‌ها با مراجعه به متون



مربوطه موجود در کتاب، مقاله، روزنامه، سایت) صورت گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

## تعریف مفاهیم

### جنگ اقتصادی

برای تبیین مفهوم جنگ اقتصادی تعاریف مختلفی بیان شده است. مرسوم‌ترین تعریف از جنگ اقتصادی که در سال‌های اخیر بسیار مورد استفاده قرار گرفته است عبارت است از: استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات گوناگون اقتصادی برای تضعیف و ضربه زدن به اهداف و ظرفیت‌های اقتصادی یک نهاد یا کشور. مطابق یکی دیگر از تعاریف موجود در این حوزه، جنگ اقتصادی یعنی استفاده از ابزار و ادوات نظامی به هدف ضربه زدن به امکانات و ظرفیت‌های اقتصادی و یا بهره بردن از منافع اقتصادی، از گذشته تا حال به عنوان استراتژی پرکاربرد در باره مورد استفاده بوده است. در واقع جنگ اقتصادی به معنای استفاده یا تهدید به استفاده از ابزارهای اقتصادی علیه یک کشور به منظور تضعیف اقتصادی و در نتیجه، قدرت نظامی و سیاسی آن کشور است. در طراحی این جنگ به طور معمول ساختار اقتصادی و مالی کشور مورد نظر بررسی، حساس و آسیب‌پذیر این ساختار و پیوند آنها با سایر متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مشخص و تلاش می‌شود تا از طریق وارد آمدن فشار و نقاط آسیب‌پذیر، تاب‌آوری اقتصادی کاهش یابد و متغیرهای کلیدی اقتصاد دچار شوک‌ها و نوسانات گسترده شوند (حسینی، ۱۳۹۵: ۱۶۲).

در دنیای کنونی به استفاده یک کشور یا گروه از تمام ابزارهای سیاسی، اقتصادی، نظامی، علمی و فرهنگی در جهت ایجاد اختلال در نظام اقتصادی یک کشور در کوتاه مدت، ایجاد وابستگی نسبی در برخی از بخش‌های اقتصادی در میان مدت و نهایتاً ایجاد وابستگی حداکثری در تمام ارکان اقتصادی و نابودی یک کشور در بلند مدت جنگ اقتصادی می‌گویند. با استفاده به ادبیات جنگ در فضای آکادمیک می‌توان جنگ را با توجه به ابزارهای به کار رفته و اهداف اصلیش، به سه نوع سخت، نیمه سخت و نرم تقسیم کرد. جنگ سخت در حوزه مناسبات نظامی است، به گونه‌ای که با توسل به خشونت و اقدام قهرآمیز، هدف، فیزیکی دشمن را تصرف سرزمین و مایملک اوست. جنگ نیمه سخت، مناسبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در بر می‌گیرد، به صورتی که با شیوه‌های تشویقی و تنبیهی، هدف، به مخاطره انداختن بقای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دشمن و تصرف حکومت، منابع اقتصادی همچنین سیادت بر آن جامعه است. جنگ نرم در حوزه‌های فرهنگی و





اطلاعاتی و روانی با مدیریت حب و بغض شک و یقین تصرف قلبها و سیادت بر مغزها را منجر می‌شود (اسماعیل نژاد، ۱۳۹۴). در ادامه به بررسی کشورهای قدرتمند آسیایی (روسیه و چین) که در این جنگ اقتصادی درگیرند، پرداخته می‌شود و با بررسی راهکارهای که توانسته‌اند مقابله مثل نمایند و به موفقیت‌هایی برسند اشاره می‌گردد.

## بررسی کشورهای درگیر جنگ اقتصادی

### نمونه اول: روسیه

روسیه از جمله مهم‌ترین بازیگران نظام بین‌الملل می‌باشد که در ادوار مختلف هم از روندهای موجود در سیاست جهانی متأثر شده و هم بر آن اثرگذار بوده است. این پیشینه تاریخی موجب شد تا در سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اصلی‌ترین هدف مسکو در حوزه سیاست خارجی تضمین جایگاه جهانی روسیه در نظم جدید باشد. برای رسیدن به این هدف روسیه همواره تلاش کرده از تمامی عناصر سیاسی و اقتصادی موجود در عرصه داخلی و بین‌المللی بهره‌برداری کند و الگویی دو وجهی مبتنی بر همکاری و رقابت را در این گستره به نمایش گذارد. از سال ۲۰۰۸ روسیه با یک بحران ساختاری مواجه شد که به تدریج واقعیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جدیدی را در ساختار آن شکل می‌داد. با این حال مشکلات اقتصاد روسیه ریشه در دو دسته موضوعات ساختاری داشت، اولین مسئله مربوط به مشکلات اقتصاد جهانی بود دومین نکته این بود که مرحله اول بهبود شرایط اقتصادی روسیه در پایان دهه اول قرن ۲۱ به پایان می‌رسید سپس مسکو می‌بایست به بازسازی رشد اقتصادی خود در دهه دوم می‌اندیشید. (Strategy، 2020).

\* متاثر از تحریم‌ها و کاهش ناگهانی قیمت نفت در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ شاخص‌های اقتصادی روسیه افت محسوسی را تجربه کردند. ارزش روبل نیز متعاقب این موضوعات به شدت کاهش و در نتیجه نرخ بهره وام‌ها نیز افزایش یافت اما از دریچه‌ای دیگر که مربوط به گستردگی موضوعات اقتصادی در روسیه و حمایت صحیح دولت از بخش‌های متاثر از تحریم‌ها و کاهش قیمت نفت بود روندی مثبت در اقتصاد روسیه مشاهده شد. در این مقطع واقعیت‌های اقتصادی نشان دهنده افزایش جذابیت طرح‌های روسی برای سرمایه‌گذاران بوده‌اند.

\* رویکرد اقتصادی روسیه در سال ۲۰۱۶ موفق شد تا کنترل دولت را بر فضای منزلزل اقتصادی کشور گسترش دهد. این رویکرد انجام تعهدات اجتماعی دولت و پرداخت هزینه‌ها و دستمزدها را تضمین کرد. البته در این سال قیمت منابع انرژی هنوز در سطح پایینی قرار



داشت و تحریم‌ها نیز بر جای خود باقی بودند. همچنین به واسطه بسیاری از ضعف‌های ساختاری دولت نقش زیادی در محافظت از بازارهای مالی ایفا می‌کرد (Himani, ۲۰۱۶).  
\* دولت شروع به خصوصی سازی بسیاری از صنایعی کرد که منبع اصلی مالی و بودجه‌ای آن بود. با این اقدام دولت درصدد بود تا نسبت به کاهش آثار منفی تحریم‌های مالی و اقتصادی غرب اطمینان حاصل کند.

\* دولت اقدام‌های گسترده‌ای را برای مبارزه با فساد اقتصادی به راه انداخت. مهم‌ترین اقدام دولت که در نوع خود در تاریخ این کشور به نوعی بی سابقه قلمداد می‌شد، دستگیری آلکسی اولیو کایف، وزیر اقتصاد کشور به اتهام فساد به بود. این روند همچنان در تمام سطوح فدرال و منطقه نسبت به بسیاری از مقامات دولتی در حال انجام است. (روشن است که که فساد همواره به عنوان مانعی بزرگ در مسیر حکمرانی اقتصادی کارآمد تلقی خواهد شد.)

\* با توجه به خروج سرمایه‌های خارجی و همچنین عدم دسترسی گسترده شرکت‌های روسی به بازارهای اروپایی کرملین، اقدام‌های تشویقی را جهت ایجاد فضای رقابتی در بازار داخلی به انجام رساند. کاهش میزان برنامه‌های بودجه‌ای دولت حال و هوای جدیدی را در کسب و کار کشور ایجاد کرد به طوری که میزان تحرکات بازار سهام کشور در این سال به شدت افزایش یافت.

\* مسکو اقدام به انجام سیاست‌های پولی دقیقی کرد که بر اساس آن درصدد بود تا در آینده‌ای نزدیک تورم را کاهش داده و میزان سرمایه‌گذاری‌ها را افزایش دهد. این شیوه احتمالاً سیاست‌های کلان اقتصادی را نسبت به روندهای دهه‌های قبلی شفاف‌تر و پیش‌بینی‌پذیرتر می‌کرد (Tkachenko, 2016).

\* تلاش برای حذف سوئیفت و به کارگیری سیستم داخلی تراکنش‌ها با نام میرا، روسیه یک سیستم داخلی برای پیام‌رسانی مالی طراحی کرده که تمامی عملیات بانک‌های داخلی را بدون نیاز به استفاده از سوئیفت انجام می‌دهد. این سیستم در سال ۲۰۱۵ و بعد از تحریم بانک‌های روسی و عدم امکان استفاده از مستر کارت و ویزاکارت در برخی بانک‌های روسی به جریان افتاد در حال حاضر ۹۰ درصد دستگاه‌های خودپرداز روسیه به سیستم میرا متصل هستند (Russia Today, 2017).

\* امکان سنجی حذف دلار و انعقاد پیمان‌های پولی دو جانبه در اواخر اوت ۲۰۱۵ پوتین رئیس‌جمهور روسیه لایحه‌ای را به امضاء رساند که بر اساس آن دلار و یورو از تجارت ان



کشورهای مستقل هم سود حذف شود. این موضوع به معنای ایجاد یک بازار مالی واحد بین روسیه، ارمنستان، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان تاجیکستان و سایر کشورها به شمار می‌رفت (Russia Today, ۲۰۱۷).

\* برگزاری مسابقات جام جهانی فوتبال در تابستان ۲۰۱۸ در این کشور موجب شد تا بسیاری از ظرفیت‌های مرتبط با این رویداد در اقتصاد روسیه خود را به مرحله مطلوبی برسانند. به عنوان نمونه بخش‌های مربوط به حوزه گردشگری و صنایع ساختمان سازی از آن جمله هستند. (در این دوره زمانی روسیه با برگزاری رویدادهای مهم ورزشی بین‌المللی تلاش کرده است تا به خوبی میان دو حوزه سیاست و ورزش با شاخص‌های مربوط به اقتصاد خود ارتباط تنگاتنگی ایجاد کند. بر اساس اطلاعات بانک مرکزی روسیه برگزاری جام جهانی می‌تواند منجر به تقویت اقتصاد این کشور در سه ماهه دوم و سوم سال ۲۰۱۸ شود (Tass, 2018).

\* گسترش صنعت گردشگری کاستی‌هایی را که در دوره کاهش قیمت منابع انرژی و مواجهه با تحریم‌های غرب تجربه کرده بود به فراموشی سپارد. این کاستی‌ها شامل مواردی همچون افزایش نرخ بیکاری در برخی مناطق، شکاف فراوان در پرداخت‌ها، کندی نرخ رشد اقتصادی و غلبه بر محدودیت‌های ارزی بوده‌اند. به طور کلی نگاه مسکو به صنعت گردشگری به ویژه در سال ۲۰۱۸ بهره مندی از آثار مستقیم و غیر مستقیم آن بر سایر بخش‌های اقتصادی وابسته می‌باشد (رسولی نژاد، ۱۳۹۶).

\* الگوی تقابلی روسیه در واکنش به تحریم‌های اقتصادی غرب؛ در سال ۲۰۱۴ شش ماه پس از تحریم اقتصادی افراد شرکت‌ها و بانک‌های روسی از سوی آمریکا و اتحادیه اروپایی پاسخی متقابلی از سوی مسکو متوجه اقدام‌های آن‌ها شد. بر این اساس محدودیت‌هایی در ارتباط با وارد کردن برخی کالاها از کشورهایی که علیه روسیه تحریم وضع کردند، اعمال شد. به دولت نیز دستور داده شد تا به منظور کسب اطمینان لازم از تعادل بازار و جلوگیری از افزایش سریع قیمت محصولات کشاورزی و مواد غذایی فهرست این مواد را مشخص کرده و اقدام‌های لازم را به انجام برساند. بنابراین مجموعه‌ای از اقدام‌های محدود کننده برای واردات محصولات کشاورزی به روسیه در ارتباط با تحریم‌های ضدروسی که توسط ایالات متحده و متحدان آن وضع شده بود اعمال گردید. هدف روسیه از این تحریم‌ها نشان دادن توانایی خود در ارائه پاسخ در خور و به موقع به تهدید و محدودیت بود.



## نمونه دوم: چین

درگیری تجاری آمریکا و چین یکی از مهمترین رویدادهای اقتصادی دهه گذشته بوده است. این درگیری در سال ۲۰۱۸ آغاز شد، زمانی که ایالات متحده تعرفه‌هایی گمرکی را برای خرید از کالاهای چینی به روش‌های تجاری ناعادلانه چین اعمال کرد. از آن زمان، دو کشور درگیر یک جنگ تجاری متقابل شده‌اند و هر یک از طرفین تعرفه‌هایی را بر روی کالاهای میلیارد دلاری وضع کرده‌اند. تأثیرات اقتصادی این جنگ تجاری نه تنها ایالات متحده و چین، بلکه اقتصاد جهانی نیز تحت تأثیر قرار گرفته است. و تجارت دو کشور را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد. (Shiping Hua, 2018).

مرور وقایع رخ داده پس از اعمال سیاست ضد چین از سوی آمریکا و بررسی مواضع پکن در مواجهه با این روند، می‌توان رویکرد نظام حاکم بر جمهوری خلق چین برای مقابله با این معضل خارجی را در دو محور عمده و نهایتاً برداشتن چند گام اساسی تحلیل و بررسی نمود: محور نخست، تمرکز ویژه بر اقتصاد داخلی و درون‌زا است؛ دومین محور، هدف‌گذاری دولت چین در حوزه تجارت خارجی بوده؛ مقامات چینی ۵ گام اساسی را دستور کار خود قرار دادند؛ در گام نخست، برای صادرات به کشورهای غربی را مطابق نظام اهمیت‌شان و تنها برای تعداد محدودی از کالاهای مورد نظر جهت خروج از کشور ارزش خارجی دولتی اختصاص دادند؛ در گام دوم، با توجه به نیاز چین به تولیدات کشورهای غربی در برخی حوزه‌های خاص به عنوان سیاست اولویت با واردات از این کشورها تعریف شده در دستور کار مجریان اقتصادی قرار گرفت؛ بر این مبنا مبادلات اقتصادی با کشورهای بلوک غربی که کمتر تحت تأثیر هژمونی ایالات متحده قرار داشتند با اولویت بخشی به واردات محصولات مورد نیاز کشور در دستور قرار گرفت. گام سوم، یعنی حمایت از خصوصی‌سازی و پشتیبانی شرکت‌های خصوصی طراحی شد. در چهارمین گام، دولتمردان چینی در زمینه مرادفات با کشورهای غربی تغییر رویکرد واردات کلان محصولات به واردات خرد و پراکنده بود. بر این اساس پکن در پی متناوب سازی اقلام وارداتی مورد نظر خود از این کشورها برآمده و به جای واردات گسترده در یک یا چند حوزه مشخص با اقلام کلان، واردات در حوزه‌های گسترده با اقلام کوچک را پیگیری نمود. در پنجمین گام، سیاستگذاران چینی در مواجهه با تحریم‌های آمریکا با هدف پی ریزی تعاملات تجاری با کشورهایی که در اردوگاه غرب تقسیم‌بندی می‌شدند، تغییر مسیرهای واردات کالا از این کشورها و متنوع‌سازی بازار مخاطب این کشور بود. با توجه به تحریم‌های آمریکا مسیر ورود کالاهای مورد نیاز چین از ایالات متحده و برخی کشورهای بزرگ



سرمایه‌داری در آن دوران باز و هموار نبود و لذا پکن در پی تعریف مسیرهای جدید واردات از مبادا کشورها و مناطق دیگر برآمد (وفایی، ۲۰۱۹).

## جنگ اقتصادی علیه ایران

در این قسمت از تحقیق به بررسی شرایط و عملکرد فعلی اقتصاد ایران پرداخته شده است. سپس در جمع‌بندی بر اساس هر یک از مولفه‌ها و تجارب کشورهایی که در این تحقیق به تفکیک بررسی شده‌اند پیشنهادهایی برای بهبود عملکرد اقتصاد و مقاوم سازی اقتصاد کشور ایران در جنگ اقتصادی بیان می‌شود.

پس از تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیرو خط امام در سال ۱۳۵۸، جی می کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا از ابزار تحریم علیه ایران استفاده کرد. کارتر ابتدا در اعلامیه ۴۷۰۲ واردات نفت و فراورده‌های از ایران را ممنوع اعلام کرد و سپس با صدور دستورهای اجرایی ۱۲۱۷۰، ۱۲۲۰۵، ۱۲۲۱۱، تحریم‌ها علیه ایران را گسترش داد. در ادامه روند تحریم‌های پیوسته، اقتصاد ایران از سال ۱۳۸۹ در معرض دور جدید از شوک‌های تحری می‌برون‌زا، آگاهانه، هوشمند به نام تحریم قرار گرفته است. بر مبنای استدلال منطقی و بر اساس اظهارات مقامات تحریم کننده و همچنین اقتصاددانان داخلی عمدتاً نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد ایران تحت همه تحریم‌ها قرار گرفته است. تحریم‌ها کشور ایران از منظر نهاد وصل کننده به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

۱. شورای امنیت سازمان ملل (۲۰۰۶\_۲۰۱۰): شامل شش قطعنامه علیه برنامه هسته‌ای
۲. کشور آمریکا (۲۰۱۲\_۱۹۷۹): (آمریکا، بریتانیا، کانادا) به عنوان وسیعترین تحریم‌های یک جانبه، با هدف تحریم‌های نفتی، انرژی، سیستم بانکی، بیمه، حمل و نقل، مقامان ارشد کشور و...
۳. اتحادیه اروپا (۲۰۱۲ - ۲۰۱۰): ممنوعیت مبادلات بین بانکی در اروپا، مسدود کردن تمامی اعتبارات بانکی کوتاه مدت، ممنوعیت واردات گاز و صادرات بسیاری از فلزات. (براتی و ترابی، ۱۴۰۰).

جنگ اقتصادی علیه کشور ابعاد مختلف اقتصاد را هدف قرار داده است. این هدف‌گذاری کاملاً کارشناسی شده و با بررسی ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، روان شناسی، اقتصادی و سیاسی جامعه انجام شده است تا بالاترین تأثیرگذاری ممکن را داشته باشد. در ادبیات علمی و سیاسی حال حاضر جهان تحریم‌ها در واقع اعلام جنگ غیر مستقیم یک ملت یا دولت علیه ملت یا دولت



دیگر می‌باشد. مقام معظم رهبری در بیانات خود، تحریم‌ها را جزئی از سناریو جنگ اقتصادی تمام عیار دشمنان عنوان می‌دارد. اعمال تحریم‌های یک جانبه و محدودیت‌های مالی و تجاری همواره یکی از ابزارهای غیرقانونی نظام سلطه برای تحمیل فشار جمهوری اسلامی ایران از اول انقلاب بوده و دائماً بر حجم تحریم‌ها افزوده است این وضعیت با اجرای تحریم خرید نفت بانک مرکزی کشتیرانی بیمه و... به اوج خود رسیده است (حسنی، ۱۳۹۵: ۱۷۲).

### عوامل داخلی تشدید اثرات اقدامات خارجی دشمنان

یکی از مسائل مهمی که همواره ممکن است در شرایط نزاع میان دو کشور مشکلات و آسیب‌های کشور هدف را به صورت قابل توجهی افزایش دهد مشکلات و نارسایی‌هایی است که در حوزه مورد نزاع در کشور هدف وجود دارد. در جنگ اقتصادی نیز این قضیه به وضوح قابل مشاهده می‌باشد. اختلالات داخلی در وهله اول پایه‌ها و نقاط استحکام کشور مورد نظر را تضعیف می‌کند و پس از آسیب‌پذیر کردن آنها در مرحله بعد، دشمن را به فشار بیشتر بر آن نقاط به جهت گرفتن نتایج بهتر در زمینه مقابله با آن کشور ترغیب می‌نماید و در نهایت اثر اقدامات و اعمال خصومت‌آمیز دشمن را بیش از پیش تشدید می‌کند از جمله این عوامل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

عوامل داخلی تشدید کننده تحریم و جنگ اقتصادی	
نفتی بودن	مشکلات و نارسایی‌های ساختار اقتصادی کشور
دولتی بودن	
دلالی و سفته بازی	
فساد و رانت قاچاق	
افزایش ولع مصرف فارغ از در نظر گرفتن بحث نیاز	فرهنگ و سبک زندگی نادرست اقتصادی آحاد مردم و مسئولین
اصرار بر مصرف کالای خارجی و رها کردن تولیدات داخلی و بومی	
و جمع آوری غیر ضروری و به جهت اقلام مصرفی و غیر مصرفی برای مصارف آتی	

### واقعیات و ظرفیت‌های داخلی اقتصادی کشور

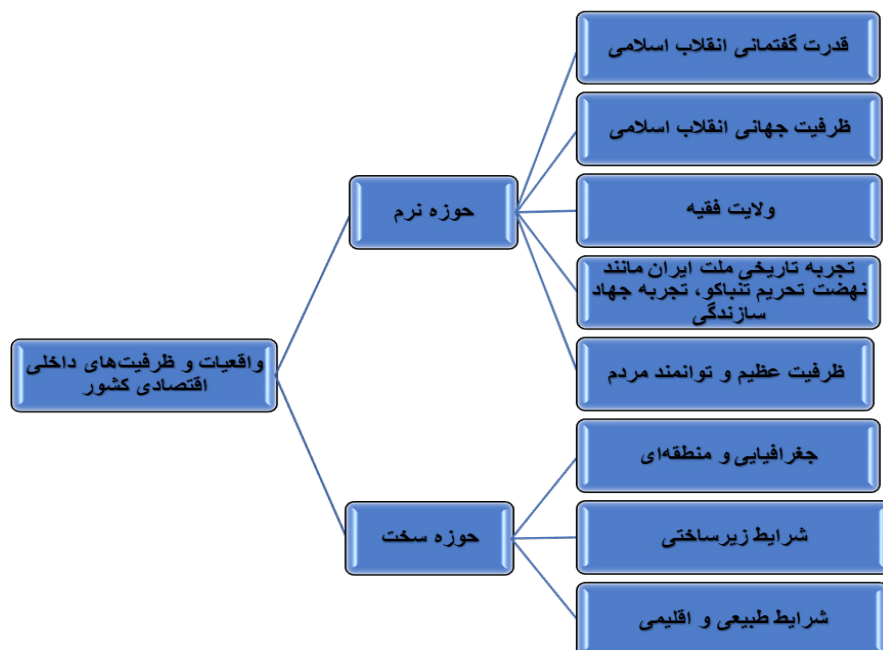
هرگونه حرکت و واکنشی علیه اقدامات دشمن در جنگ اقتصادی چه از نوع پدافندی و چه



آفندی، با توجه به پیچیدگی و گستردگی ابعاد این جنگ، نیازمند دیدنه بانی و رصد جامع و دقیق اطلاعات و ظرفیت‌های داخلی اقتصادی و واقعیات و نقاط ضعف اقتصادی دشمنان خارجی می‌باشد. این عمل باعث می‌شود تا اقدامات تقابلی اثری بیشتر داشته باشد و از بروز خطا و اشتباه جلوگیری به عمل آید. این موضوع در حوزه نرم و سخت قابل بررسی است که به سبب محدودیت در این پژوهش اشاره مختصری می‌شود:

**حوزه نرم:** ظرفیت‌های نرم، ظرفیت‌هایی هستند که غایت شان این است که با ایجاد یک فضا، محیط تنفس، محیط رشد و یک کهکشان حرکتی، مقدمات مناسبی را برای استفاده هر چه بهتر و بیشتر از ظرفیت‌های سخت و فیزیکی فراهم کنند.

**حوزه سخت:** قسم دیگر ظرفیت‌های جمهوری اسلامی ایران ظرفیت‌هایی است که امکانات و زمینه‌های اقتصادی را فراهم می‌آورد. به این دسته از ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها ظرفیت‌های حوزه سخت اطلاق می‌گردد. به طور کلی می‌توان امکانات و لوازم موجود در جهت پیشرفت اقتصادی فراهم نمایید که در زیر به آنها اشاره می‌شود:





## نتیجه‌گیری

به اعتراف کارشناسان و مسئولان، کشور در سال‌های اخیر از جانب دشمنان درگیر جنگ گسترده‌ای با موضوعات و ابعاد اقتصادی شده که روز به روز بر شدت عمل و وسعت مصادیق آن افزوده می‌شود. تأثیرات فراوان این نزاع بر بخش‌های مختلف کشور ضرورت آشنایی با ابعاد و ماهیت این جنگ را بیش از پیش نمایان می‌کند. امروزه جنگ اقتصادی بسیار پیچیده‌تر شده و بخشی از یک استراتژی سیاسی \_ نظامی است که برای شکست یک رقیب طراحی شده است، با استفاده از ابزارهای مختلف که باید متناسب با وضعیت و با در نظر گرفتن تمام جزئیات آن استفاده شوند. زیرا ابزار مناسب یا ترکیبی از ابزارها در زمان مناسب، تأثیر آن را به طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار می‌دهد و در نتیجه موفقیت روش اعمال شده را تعیین می‌کند. در اقتصاد جهانی به طور فزاینده‌ای پیشرفت اقتصادی به ابزاری برای اجرای سیاست‌ها تبدیل شده است. با توجه به قدرت جهانی‌سازی به عنوان یک پدیده با توجه به تمایلات و پیشرفت فرایندهای جهانی‌سازی این پدیده به طور فزاینده‌ای شایع‌تر می‌شود. جنگ در این معنا یک روند جهانی است که ناشی از جهانی‌سازی است. جنگ اقتصادی به معنای وسیع‌تر نه تنها عناصر سیاسی و اقتصادی دستیابی به اهداف شخصی را نمایندگی می‌کند، بلکه مجموعه‌ای از اقدامات محدود کننده با ویژگی‌های خاصی را نیز شامل می‌شود. اقدامات محدود کننده اصطلاحی گسترده برای رویه‌ای است که امروزه آن را با سلاح تحریم‌ها می‌شناسیم.

در این پژوهش با بررسی و تحلیل دو کشور قدرتمند آسیایی یعنی روسیه و چین به اقدامات و راهکارهایی که برای مقابله در این جنگ اقتصادی و راه‌های برون رفت از فشار وارده پرداخته شد که از تجزیه و تحلیل مجموعه اقدام‌های روسیه در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ می‌توان این ارزیابی را به عمل آورد که دولت و بدنه اقتصادی آن با درک واقعیت‌ها و ضرورت‌های آسیب‌زای موجود در اقتصاد روسیه نسبت به اصلاح بلند مدت نقاط ضعف اقتصادی کشور ورود کرده و با اقدامات مه می از جمله بخش قابل توجهی از درآمد کشور را از منابع انرژی جدا نمود، نرخ ارز را شناور و میزان اشتغال را در سطح مطلوبی حفظ کرد و با مبارزه با فساد داخلی و تکیه بر توانایی‌ها و ظرفیت‌های اقتصاد داخلی توانست در برابر جنگ اقتصادی تحمیل شده ایستادگی کند. و اما کشور چین در برابر تحریم‌ها و جنگ اقتصادی، با طرح برنامه پنج مرحله‌ای، کاهش تعرفه‌های گمرکی، جایگزینی کشورهای بلوک غربی به جای ایالات متحده، خصوصی‌سازی، واردات کالاهای خرد به جای کلان و تغییر مسیر واردات کالاهای مورد نیاز و متنوع‌سازی بازار مخاطبان گام‌های مثبتی در این راستا برداشت و علاوه بر موفقیت در این جنگ اقتصادی به یکی از کشورهای با





اهمیت در حوزه اقتصادی تبدیل گردید. تحلیل نتایج هر دو کشور بیانگر آن است که سیاست‌هایی آگاهانه و هوشمندانه در جهت اعتماد به توانمندی‌های داخلی و اصلاحات ساختار دولتی و اهمیت به ظرفیت مهم جمعیت خود توانسته‌اند به موفقیت دست یابند.

همچنین بررسی و تحلیل این نتایج به دست آمده از راهکارهای کشورهای روسیه و چین، تاییدی بر تحقیقات انجام شده‌ای از جمله نکویی (۱۳۹۹) و شمسی و جعفری (۱۳۹۸) و لاریجانی و همکاران (۱۴۰۰) است که تاکید بر مقاوم سازی اقتصاد داخلی و افزایش نقش مردم در اقتصاد و تعامل با سایر کشورها می‌باشد.

با توجه به بیانات رهبر معظم انقلاب که در این زمینه می‌فرمایند دو اشکال بزرگ در اقتصاد ما وجود داشته‌اند یکی اینکه اقتصاد ما نفتی و یکی اینکه اقتصاد ما دولتی بوده است. گام اصلی و ابتدایی تحقق اقدامات و سیاست‌های لازم برای پیشبرد مسئله اقتصاد مقاومتی را که همسانی و تشابه کامل آن با راهکارهای مطرح شده در این تحقیق برای مقابله با دشمن در جنگ اقتصادی قابل ادعا و اثبات است. بنابراین، راه حل اساسی حل مشکلات اساسی کشور در حوزه اقتصاد ساماندهی اقتصاد کشور بر مبنای اقتصاد مقاومتی است این راهکار کلی و سیاست‌های ابلاغی مربوط به آن با عنایت و بر اساس ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی کشور اعم از سرمایه‌های طبیعی، انسانی ساختی تدوین گردیده و سامان یافته است و تلاش مجاهدانه و خالصانه مسئولان و مردم می‌تواند راهبرد مناسبی برای خروج کشور از این وضعیت نامناسب باشد. جمع آوری اطلاعات مجموعه راهکارها و ابزارهایی را در حوزه‌های مختلف برای مقابله هرچه بهتر و موثرتر با اقدامات دشمن در این جنگ و محاصره گسترده پیشنهاد و نهایتاً انجام دهد. توجه به ظرفیت‌های اقتصادی کشور در تمام زمینه‌ها دارای جایگاه محوری و نقشی اساسی در بحث مقابله با دشمن در جنگ اقتصادی است. آشنایی و آگاهی کامل از مجموع این ظرفیت‌ها اصلی‌ترین اقدام و نیز مقدمه‌ای برای سایر اقدامات در این جنگ می‌باشد. به عبارت دیگر در این محاصره اقتصادی همه جانبه، مجموعه افراد کشور باید با آگاهی از این ظرفیت‌ها بر این مسئله اعتقاد راسخ داشته باشند که کشور ما ظرفیت و توان فرهنگی و اقتصادی لازم را برای مقابله با دشمن در این جنگ اقتصادی دارد اگر ایمان به وجود این ظرفیت‌ها وجود داشت آنگاه می‌توان برای استفاده بهینه و مناسب از آنها برای مقابله در این جنگ تمام عیار برنامهریزی کرد. در صورتی که این دو وظیفه با اهتمام آحاد مردم و مسئولین کشور به صورت کامل انجام شوند می‌توان ادعا نمود که منظومه عملیاتی کشور برای مقابله با دشمن در جنگ اقتصادی تکمیل شده است.



## منابع

۱. ابراهیمی کیایی، هادی (۱۳۹۹). «جنگ هیبریدی رویکرد ایالات متحده آمریکا در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های بین‌الملل ۱۵۵-۱۸۰ (۳۷): ۱۰.
۲. اسماعیل نژاد (۱۳۹۴). آیا مذاکره با آمریکا راهکار برون رفت از تحریم‌ها است؟ پایگاه اینترنتی خبرگزاری مشرق نیوز، ۱۹/۱۰/۱۳۹۴.
۳. براتی، مسعود و ترابی، سیدحامد (۱۴۰۰). «جنگ اقتصادی»، چاپ اول، موسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.
۴. جواد شمسی، علی اکبر جعفری (۱۳۹۸). «تاثیر اقتصاد مقاومتی بر روند امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوازدهم شماره ۴۵ صفحات ۱۲۱ تا ۴۴۸.
۵. حامد وفایی (۲۰۱۹). مروری بر تجربه هفت دهه رویاروی پکن با تحریم‌های آمریکا، چین چگونه از سطح تحریم آمریکا گذشت؟
۶. دارابی، مهدی و خسروی میثم (۱۴۰۱). «سیاست‌های اقتصادی روسیه در مقابله با تحریم با تمرکز بر سیاست‌های ارزی و درس‌هایی برای ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۷. دیزاجی، اس‌اف (۱۳۹۳). «شوک نفتی بر هزینه‌های دولت و درآمدهای دولت (با کاربرد تحریم‌های ایران)»، ۴۰، ۲۹۹-۳۱۳.
۸. دیزاجی، اس‌اف، و ون برگیجک، پی. آ. گ. (۲۰۱۳). موفقیت فاز بالقوه و شکست تحریم‌های اقتصادی نهایی: با کاربرد در ایران. مجله تحقیقات صلح، ۵۰ (۶): ۷۲۱-۷۳۶.
۹. سلیمانی محمد؛ نکویی وحید (۱۳۹۹). «بررسی تجربیات کشورهای مختلف در مقاوم سازی اقتصاد دستیابی به الگوی عملیاتی اقتصاد مقاومتی در ایران»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی سال هشتم شماره ۳۰.
۱۰. کاشیان، عبدالمحمد (۱۴۰۰). چین و نقش آن در افول قدرت اقتصادی آمریکا مطالعات راهبردی آمریکا سال یک شماره ۳ صفحه ۶۷ تا ۹۴.
۱۱. لاریجانی، سعید؛ مطلبی، محمدعلی؛ بحرینی، رضا (۱۴۰۰). «بررسی اثر تحریم‌ها بر محیط کسب و کار جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهکارهای کاهش تاثیر آن»، فصلنامه اقتصاد و دفاع انجمن علمی اقتصاد دفاع ایران سال ۶ شماره ۲۱ پاییز ۱۴۰۰ ۳۷ تا ۶۰.



۱۲. مژگان قربانی (۱۳۹۹). «جنگ‌های تجاری آمریکا و چین: علل و پیامدهای آن»، فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، تابستان ۱۳۹۹ دوره ۱۰ شماره ۳۵.
۱۳. مارکو جی بارون (۱۳۹۴). دکترین گمشده جنگ اقتصادی / تاریخ ارسال ۱/۱۲/۱۳۹۴.
۱۴. هدایتی شهیدانی، مهدی (۱۳۹۷). «عملکرد روسیه در مواجهه با تحریم‌های اقتصادی غرب»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز شماره ۱۰۱ بهار ۱۳۹۷.
15. The Missing Doctrine of Economic Warfare, Post author By Marco G Barone  
See for instance: Barone, M. G. , et alii, Insights from the Wiki — Korean Conflict Pathways: “Regional Economic Warfare”, May 7, 2013 – available at
16. Iqbal Khan, N. (2019). Global trade war and its impact on trade and growth: War between USA”, China and EU. International Journal of Innovative Technology and Exploring Engineering, 8(8), 934-42. <https://www.ijitee.org/wp-content/uploads/papers/v8i8/G5629058719.pdf>
17. Huang, Y. (2019). U. S. -China economic tensions: Origins and global implications. China International Strategy Review, 1, 127-38. [DOI:10.1007/s42533-019-00002-1]
18. Kwan, C. H. (2020). The China-US trade war: Deep-rooted causes, shifting focus and uncertain prospects. Asian Economic Policy Review, 15(1), 55-72. [DOI:10.1111/aep.12284]
19. Himani Pant (2016), “Russia’s Economy in 2016; Falling Oil Prices and Sanctions Drive Home the Need for Structural Economic Reform in Russia”, The Diplomat, 11 May, Available at: <https://thediplomat.com/2016/05/russiaseconomy-in-2016/>, Accessed on: 24/12/2016.
20. Russia Today (2017a), “Russia’s Banking System has SWIFT Alternative Ready”, Available at: <https://www.rt.com/business/382017-russia-swift-centralbank/>, Accessed on: 04/05/2017. - Russia Today (2017b), “Russia & China to Extend Currency Swap Agreement to Lessen Dollar Dependence”, Available at: <https://www.rt.com/business/408305-russia-china-currency-swap/>, Accessed on: 04/11/2017.

21. Tkachenko, Stanislav (2016), "How the Russian Economy Changed in 2016", Russia Direct, Available at: <http://www.russia-direct.org/opinion/how-russianeconomy-changed-2016>, Accessed on: 13/10/2017.
22. Shiping Hua and Ka Zeng )2018(/ The US–China Trade War: Economic Statecraft, Multinational Corporations, and Public Opinion Department of Political Science, University of Louisville, Louisville, KY 40292, USA and 2 Department of Political Science, University of Arkansas, Fayetteville, AR 72701, USA Post date 12/01/2015.
23. Tass (2018), "Over 1. 5 Million Foreign Tourists to Visit Russia During 2018 FIFA World Cup", 01/03/2018, Available at: <http://tass.com/sport/992068>, Accessed on: 04/03/2018.

